

توسعه کشاورزی بخش لاینفک از پیشرفت اقتصادی بوده و بندرت می‌توان کشوری یافت که بدون رشد بخش کشاورزی، توسعه مداوم و پایداری را تجربه کرده باشد. کلیه ممالکی که در زمینه کشاورزی، رشد چشمگیری داشته‌اند، به پیشرفت اقتصادی سریعتری رسیده‌اند. بنابراین توسعه بخش کشاورزی اثر مستقیم و مفیدی بر پیشرفت کل اقتصاد باقی می‌گذارد. دولت، بخش خصوصی و کشاورزان در توسعه کشاورزی نقشهای کلیدی ایفا می‌کنند، اگر چه ماهیت نقشهای آنها با یکدیگر متفاوت است. نقش اساسی دولت، ایجاد و حفظ زیربنای مورد نیاز برای این توسعه کشاورزی می‌باشد که خدمات ترویجی و تحقیقاتی، تدارک نهاده‌ها و برنامه‌های اعتباری، نظامهای بازاریابی و قیمت‌گذاری، شبکه‌های ارتباطی و حمل و نقل، بخشهای اساسی این زیربنا محسوب می‌شوند. اگر چه توسعه این تسهیلات به عهده بخش خصوصی است ولی تعیین خط‌مشی توسعه زیرساختی از وظایف اصلی دولت می‌باشد. وظیفه دیگر دولت، روبرو ساختن کشاورزان با موارد جالب توجه است بطوریکه آنها را وادار به واکنش سریع و مثبت نماید؛ بطور مثال: کشاورزان در مقابل قیمت‌های خوب برای محصولات خود، عکس‌العمل خوبی نشان می‌دهند و یا اینکه در صورت عدم آگاهی از

مقاله حاضر، تحت عنوان «ترویج کشاورزی-نظام آموزش و ملاقات» از مجموعه مقالات منتشره از سوی بانک جهانی می‌باشد که در آن از «نظام آموزش و ملاقات» بعنوان یکی از راههای مؤثر در ترویج کشاورزی و در نهایت اجرای طرحهای توسعه روستایی یاد شده است. این مقاله، ضمن تأکید بر نقش ترویج و مروج در انتقال توصیه‌های لازم به کشاورزان و بعنوان رابط میان کشاورزان و مؤسسات تحقیقاتی، مختصات این نظام، مشکلات موجود در آن و روشهای اصلاحی را مورد بررسی قرار می‌دهد. این نظام... حدوداً توسط ۴ کشور در حال توسعه در آسیا، آفریقا، اروپا و امریکای مرکزی و جنوبی مورد اقتباس قرار گرفته است. همچنین هشت کشور به اضافه ۱۳ ایالت بزرگ در هند نیز، این نظام را در سراسر منطقه خود که تمام خانوارهای کشاورزان را دربر می‌گیرد به مورد اجرا درآورده‌اند. امید است که تجربیات حاصل از اجرای نظام آموزش و ملاقات در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، مورد استفاده دست‌اندرکاران کارهای کشاورزی خصوصاً جهادگران برتلاش قرار بگیرد. اگر چه تجربه بسیار پربار جهادسازندگی نیز به عنوان یک نظام اجرایی - انقلابی، خود می‌تواند بعنوان الگویی در جهان مطرح و مورد استفاده قرار گیرد، اما بدیهی است که با تمام نقاط قوتی که این نهاد دارد، بازهم مستغنی از دستاوردهای تجربه شده در سایر کشورها نیست.



ترویج

کشاورزی «نظام آموزش و ملاقات»

● لازمه تغییر سازمان و عملیات دستگاه ترویج به «نظام آموزش و ملاقات» ایجاد یک فرماندهی متمرکز فنی و اداری، تعیین مسئولیتها و اختیارات معین برای سطوح مختلف کارکنان، انجام نظارت دقیق بر کار مروجین در مزارع و حذف گزارشهای کتبی که اغلب با شرایط موجود مغایرت دارند می‌باشد؛ که البته این رفع نیازها بدون یک رهبری متعهد و قوی امکان پذیر نیست.

با تشکر از برادر علیرضا کاشانی که متن ترجمه شده مطالب فوق الذکر را در اختیار مجله قرار داده‌اند و با تذکر اینکه این مطلب و مطالبی که در دو شماره بعد چاپ خواهد شد خلاصه متن اصلی است توجه شما را به مطالعه آن جلب می‌نمایم.



آخرین پیشرفتهای تکنولوژیک قابل استفاده در مزرعه خود و ویژگیهای اقتصاد کشاورزی محیطی که در آن بکار مشغولند، قادر به بروز واکنش مناسبی نخواهند بود. آنها همواره در صدد استفاده بهتر از زمین، نیروی کار و سرمایه می‌باشند، لذا تحقیقات کشاورزی و خدمات ترویجی از طریق پی‌ریزی توصیه‌های مناسبی در ارتباط با تولید کشاورزی و انتقال تکنولوژی جدید به کشاورزان، نقشی اساسی در این امر ایفا می‌کنند. بهبود وضعیت کشاورزی تا حد زیادی به میزان تحقیقات بستگی دارد؛ در غیر این صورت کشاورزی به حالت سنتی با بازدهی کم و باروری ناچیز باقی خواهد ماند. علاوه بر آن، به علت شرایط متغیر فیزیکی و اقتصادی، کشاورزان نیازمند به مساعدت تحقیقاتی مداوم می‌باشند. تحقیقاتی که از نظر کاربردی، درست و منطقی بوده و با شرایط واقعی تولید و نیازهای کشاورزان مرتبط باشد. ترویج نیز یک شرط اولیه ضروری برای توسعه کشاورزی مداوم و گسترده می‌باشد و به منظور تشریح تکنولوژی جدید برای کشاورزان و آموزش آنان در مورد چگونگی تطبیق دادن و پیاده کردن شیوه‌های اصلاح شده تولید برای افزایش درآمد و تولید، به خدمات ترویجی نیاز است. بطور کلی، این خدمات ترویجی است که به کشاورزان کمک می‌کند تا از مزایای یافته‌های

● اصول مدیریت «نظام آموزش و ملاقات» در عین سادگی، نظام پیچیده‌ای را تشکیل می‌دهد که برای حصول نتیجه مطلوب از کل نظام، کلیه اجزاء آن باید به نحو خوبی عمل کنند. مروجین باید سرکشی به مزارع را مطابق برنامه انجام داده و جلسات آموزشی باید به آنان بیاموزد که چگونه توصیه‌های مربوط به تولید را با منابع در دسترس کشاورزان وفق دهند، توانائیهای کارکنان را جمع‌بندی نموده و در کلیه زمینه‌های کشاورزی، زارعین را راهنمایی نمایند و بالاخره کار متقابل میان ترویج و تحقیقات را رونق دهند.

تحقیقات و پیشرفتهای تکنولوژیک سود جسته و آنها را با سرعت با شرایط فصلی و اقتصادی خود هماهنگ سازند و از خدمات پشتیبانی بمنظور افزایش تولید و درآمد خود به نحوی مؤثری استفاده نمایند. اگر همانطور که گفته شد، ترویج یک شرط مهم برای توسعه کشاورزی است، چرا در بسیاری از کشورها، از سوی دولت یا سایرین نسبت به آن غفلت شده و نادیده گرفته می‌شود؟

برای این غفلت چند دلیل عمده وجود دارد: در درجه اول، نقش ترویج بواسطه نبودن دلیل روشنی مبنی بر کمک مستقیم آن به افزایش یا کاهش تولید کشاورزی، اغلب ناچیز تصور می‌شود. دلیل دوم این است که کشاورزان نیازهای بیشماری دارند که دولت باید آنها را فراهم آورده و یا در برآوردن آنها مساعدت نماید. از جمله اقدامات دولت، پی‌ریزی یک سرویس خدمات صحرائی در زمینه‌های مختلف است که ترویج کشاورزی نیز جزء آنها می‌باشد. بنابر این در چنین شرایطی مشخص کردن یک نقش معین برای ترویج مشکل است، چه رسد به تعیین اثرات آن. علاوه بر آن حضور منظم مروجین در مزرعه بعنوان یک ضرورت مطرح است، حال آنکه این مسئله در مناطق پراکنده و دور از هم تولید اشکال می‌کند. علت دیگری که از تأثیر ترویج کشاورزی می‌کاهد، نفوذ شهرنشینی است که بسیاری از کشورها با آن مواجهند، مجموع این عوامل موجب گردیده که خدمات ترویجی اغلب نادیده گرفته شده و یا تصور شود به چنین خدماتی اصلاً نیازی نیست. نقش محوری در حصول پیشرفت کشاورزی انکار ناپذیر است. اما باید توجه داشت که ساختار ترویج باید بگونه‌ای پی‌ریزی شود که قابل هماهنگی با شرایط، منابع و نیازهای محلی باشد. یک نظام تمام و کمال ترویج، براساس آموزش مداوم آخرین پیشرفتهای به کارکنان ترویج و سرکشی منظم آنان به مزارع، شیوه‌ای از ترویج کشاورزی است که کارایی خود را به اثبات رسانیده است. یک اصل اساسی ترویج حرفه‌ای و ثمربخش و نیز نظام آموزش و ملاقات این است که کشاورزان باید بطور منظم توسط مروجین توانا و ماهر ملاقات شوند. ترویج کشاورزی کاری یک مرحله‌ای نیست، این کار روندی طولانی و مداوم دارد و آن تماس با کشاورزان به منظور آگاهی از شرایط تولید و انجام تحقیقات

جهت یافتن راههایی برای پاسخگویی به نیازهای فنی آنها می‌باشد. برای انجام این کار سرکشی به مزارع باید مرتباً و در نوبتهای کافی انجام شود. لذا بهترین راه برای این امر در کشورهای در حال توسعه این است که مروجین طبق برنامه ثابتی که همه کشاورزان با آن آشنا هستند به مزارع سرکشی کنند. ضمناً خود مروجین در کلیه سطوح باید بطور مرتب تحت آموزش قرار گیرند تا در مورد آخرین پیشرفتهای فنی و شرایط متغیر مزرعه، آگاهیهای لازم را کسب کنند. ارتباط با تحقیقات باید نزدیک و دوجانبه و براساس فعالیت‌های عملی و جلسات مشترک ترویج و تحقیقات باشد، نه بر پایه ملاقاتهای گاهگاهی کمیته‌ها. کلیه مروجین باید منحصراً در زمینه ترویج فعالیت نمایند تا بتوان یک سرویس ترویجی تمام و کمال پی‌ریزی کرد که هر یک از کارکنان آن، دید روشنی از مسئولیتها و اختیارات خود داشته باشند. بطور کلی لازمه تغییر سازمان و عملیات دستگاه ترویج به نظام آموزش و ملاقات، ایجاد یک فرماندهی متمرکز فنی و اداری، تعیین مسئولیتها و اختیارات معین برای سطوح مختلف کارکنان، انجام نظارت دقیق بر کار مروجین در مزارع و حذف گزارشهای کتبی که اغلب با شرایط موجود مغایرت دارند، می‌باشد. که رفع این نیازها بدون یک رهبری متعهد و قوی امکان پذیر نیست. هیچ سازمانی بدون مدیریت قوی، کارایی ندارد؛ در نتیجه با فراهم آوردن ابزار مناسب، بویژه اصول مدیریت صحیح، راهنمایی‌های اجرایی و تعیین مسئولیتها و اختیارات باید مدیران را در کلیه سطوح مورد ترغیب و تشویق قرار داد تا بتوانند توانائیهای رهبری خود را تقویت نمایند. علاوه بر مدیریت و رهبری، هنگام پی‌ریزی یا بازسازی ترویج به نظام آموزش و ملاقات، چهار نکته دیگر باید مورد توجه قرار گیرد: اول اینکه خدمات ترویج حرفه‌ای در نظام آموزش و ملاقات، به سطوح پایین محدود نمی‌شود بلکه می‌توان آن را برای کلیه سطوح کشاورزی پیشرفته نیز تنظیم کرد. اصول اساسی مدیریت ترویج کشاورزی در سطح حرفه‌ای همه جا یکسان است و اینکه تکنولوژی کشاورزی در چه سطحی قرار دارد، بر آن بی‌تأثیر است. نظام ترویج با گذشت زمان باید گسترش یابد تا بتواند بیشتر فعالیتهای تولیدی مزارع را تحت پوشش قرار دهد، اگر چه در ابتدا بر محصولات اصلی متمرکز

می‌شود. دوم اینکه، اصول مدیریت نظام آموزش و ملاقات در عین سادگی، نظام پیچیده‌ای را تشکیل می‌دهد که برای حصول نتیجه مطلوب از کل نظام، کلیه اجزاء آن باید به نحو خوبی عمل کنند. مروجین باید سرکشی به مزارع را مطابق برنامه انجام داده و جلسات آموزشی باید به آنان بیاموزد که چگونه توصیه‌های مربوط به تولید را با منابع در دسترس کشاورزان وفق دهند، تواناییهای کارکنان را جمع‌بندی نموده و در کلیه زمینه‌های کشاورزی، زارعین را راهنمایی نمایند و بالاخره کارمقابل میان ترویج و تحقیقات را رونق دهند. نکته سوم که باز هم در ارتباط با پیچیدگی نظام است، این حقیقت است که ترویج به شیوه آموزش و ملاقات، نظامی قابل انعطاف در یک چهارچوب ثابت و مستحکم می‌باشد. توانایی انجام کار در زمینه محصولات مختلف، رفع مشکلات مربوط به آفات و بیماریها، هماهنگی با الگوهای متغیر کشاورزان و تدارک نهاده‌ها، هماهنگی با سطوح مختلف پیشرفت فنی کشاورزان و کارکنان ترویج از موارد انعطاف‌پذیری این نظام می‌باشند. برنامه‌های منظم ملاقات و آموزش و این نکته که خدمات کارکنان ترویج به منظور افزایش تولید و درآمد کشاورزان، بر روشهای قابل دوام و اقتصادی متمرکز است، از ویژگیهای ثابت «نظام» می‌باشد. چهارم اینکه،

ایجاد یک نظام حرفه‌ای ترویج براساس آموزش و ملاقاتهای منظم، مستلزم تجدید سازمان و تشکیلات اداری و تغییرات بنیادی در رفتار و شیوه کار کارکنان و روابط میان کشاورزان و ترویج، ترویج و تحقیقات، ترویج و وزارت کشاورزی و بالاخره رابطه میان کشاورزان و دولت می‌باشد. بنابر این ترویج حرفه‌ای را با اقدامی مجرد و ایستا نمیتوان پیاده کرد. این نظام ضمن انجام کار تکامل می‌یابد و نشانه‌های حاکی از تکامل و پیاده شدن آن به صورت تدریجی آشکار می‌گردد. در واقع ممکن است هدف درازمدت ترویج علاوه بر پی ریزی یک نظام خدمات ترویجی کارآمد، روند بالا بردن سطح مهارت حرفه‌ای کل وزارت کشاورزی را نیز در بر گیرد. البته لازم به تذکر است که ترویج حرفه‌ای به‌تنهایی قادر به حل کلیه مسائل توسعه کشاورزی نمی‌باشد؛ مواردی از قبیل: کلیه خدمات پشتیبانی کشاورزی، از تهیه بذراصلاح شده، کود، اعتبار و سایر نهاده‌ها گرفته تا حمل و نقل؛ ارتباط و بازاریابی، به منظور دستیابی به تأثیر واقعی و قابل دوام تولید کشاورزی، باید مورد توجه قرار گیرد. بنابر این، نکته مهم پی ریزی یک سلسله مراتب مناسب است که مطابق آن اصلاحات در زمینه‌های مختلف صورت گیرد. در این زمینه، نیاز مبرم به خدماتی احساس می‌شود که بتوانند حلقه مدیریت



غیر ثمربخش و تخصیص نامناسب منابع را بشکنند. این خدمات محوری در بسیاری از موارد همان ترویج است. چرا که یک نظام ترویج ثمربخش، کشاورزان را قادر می‌سازد تا منابع موجود را بهتر مورد بهره‌برداری قرار دهند؛ درآمد بیشتری برای زارعین فراهم می‌آورد و آنها را تشویق می‌کند که خواهان خدمات بهتری باشند. بنابر این، تنها راه منطقی این است که بجای اقدام به اصلاح تدریجی و همزمان کلیه فعالیتهای پشتیبانی کننده کشاورزی، برای تقویت ترویج تقدم قائل شد. فایده دیگر شروع کار با ترویج این است که اصول اساسی خدمات ترویج در مورد سایر فعالیتهایی که مدیریت مشابه دارند نیز قابل استفاده بوده و تجربه لازم برای اصلاح و بهبود این فعالیتهای بنیادی را فراهم می‌آورد. در مورد مکان مناسب برای ایجاد ترویج حرفه‌ای باید گفت که جوهر و عصاره ترویج حرفه‌ای را در منطقه‌ای متراکم و جمع و جور، باید پیاده کرد. این کار نتایج و تأثیر ترویج حرفه‌ای را نشان داده و امکانات سرمایه‌گذاری بیشتری را فراهم می‌کند. و در مورد بهترین زمان برای ایجاد ترویج حرفه‌ای کشاورزی باید دانست که هیچ زمانی برای انجام این کار زود نیست و لازمه چنین کاری فقط این است که جریان مداومی از روشهای اصلاح شده تولید برای ابلاغ به کشاورزان وجود داشته باشد. برای انطباق یک نظام ترویجی ثمربخش، با شرایط ویژه یک کشور یا منطقه، ابتدا باید آن را در مقیاس کوچک مورد آزمایش قرارداد، تا بعد بتوان به بهترین وجه در سطح گسترده پیاده کرد.

به علاوه، چنین کاری به مدیریت نیز اجازه می‌دهد که ضروریات پیچیده سازمانی و انشعابات ترویج کشاورزی حرفه‌ای را در سطح وسیعتری مورد ارزیابی قرار دهد. چرا که ترویج حرفه‌ای براساس آموزش و ملاقاتهای منظم، در این جهت عمل می‌کند که اصلاحات سازمانی را در سطح گسترده‌ای به اجرا درآورده، و نهادهایی بر پا کند تا تشکیلات دولت و سازمانهای توسعه بتوانند از منابع موجود و جدید به نفع اکثریت کشاورزان کشور بهره‌برداری نمایند.

۲- مشکلات کلی ترویج

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، اساساً ترویج ملی وجود ندارد، حال آنکه برخی دیگر دارای تشکیلات تقریباً گسترده با نیروی انسانی

خوبی هستند. اما تعداد کشورهایی که ترویج واقعاً کارآمدی دارند زیاد نیست. دلایل زیادی برای این مشکل وجود دارد که به چند نمونه آن در ذیل اشاره می‌گردد:

سازمان: فقدان یک سازمان با شیوه عملیاتی روشن و همچنین نبودن یک خط مستقیم پشتیبانی فنی و کنترل اداری کارکنان، مهمترین مشکلی است که اغلب سازمانهای ترویج با آن روبرو هستند. غالباً، مأمور ترویج در سطح مزرعه، باید به دو یا حتی سه سرپرست گزارش دهد و چون او یکی از محدود مأموران دولت است که در سطح محلی کار می‌کند، گاهی اوقات وظایف کشاورزی نیز به او واگذار می‌شود. در نتیجه او غالباً تحت کنترل یک اداره شهری، یا سازمانی توسعه روستایی و یا هر دو آنها قرار گرفته و ارتباط وی با وزارت کشاورزی ضعیف می‌گردد. نتیجه این که، این مأمور مقدار کمی از وقت خود را واقعاً در فعالیتهای ترویج کشاورزی صرف می‌کند و نمیتواند یک مروج حرفه‌ای باشد. علاوه بر این، مأمورین ترویج عموماً جدول کار برنامه ریزی شده‌ای ندارند و اهداف مشخص شده ترویج آنقدر گسترده و یا دور از واقعیت و بی ارتباط با شرایط محلی هستند که عملاً قابل اجرا نمی‌باشند. در بسیاری از مناطق کار، کارکنان ترویج مورد نظارت نیز قرار نمی‌گیرد و از نظارت بعنوان وسیله‌ای برای بالا بردن سطح توانایی و تعهد کارکنان استفاده نمی‌گردد.

تضعیف عملکرد: مروج سطح مزرعه علاوه بر انجام کارهای تنظیمی، خرید و گردآوری آمار در سطحی وسیع، در کلیه جنبه‌های توسعه روستایی (از قبیل بهداشت، تغذیه و تنظیم خانواده) نیز مسئولیت دارد، بدیهی است که این همه مسئولیت برای یک فرد زیاد است. با توجه به اینکه، برنامه‌های کاری هم بدرستی تشریح نشده و اولویت‌های کاری نیز غالباً تغییر می‌کند، چنین مسؤلیتهایی برای یک عامل ترویج بیش از حد گسترده و مبهم است. در نتیجه او قادر به انجام وظایف ترویج کشاورزی بطور ثمربخشی نخواهد بود و فقط به انجام وظایفی اقدام می‌کند که بیش از همه تحت نظر بازرسان قرار دارد؛ مانند تکمیل گزارشها، ثبت آمار و توزیع نهاده‌های کشاورزی و همچنین خدمات را نیز فقط به با نفوذترین افراد منطقه خود ارائه می‌دهد. وقت و انگیزه کمی

برای سرکشی به مزارع کشاورزان دارد.

پوشش و تحرک: به اکثر عوامل ترویج، منطقه بسیار وسیعی برای کار اختصاص داده می‌شود. بطوریکه آنها باید بیش از ۲۰۰۰ یا ۴۰۰۰ خانواده کشاورز را که در سطح وسیعی پراکنده‌اند، تحت پوشش قرار دهند. و چون وسایل نقلیه برای تحرک کافی نیز در اختیار ندارند، برقرار کردن تماس منظم میان مروج و کشاورزان که اساس ترویج ثمربخش است غیرممکن می‌شود. لذا، عوامل ترویج تمرکز بر مزارع بزرگ را ترجیح می‌دهند. چرا که با کمک کشاورزان بزرگ علاوه بر اینکه به اهداف خاص منطقه‌ای و کمی خود دست می‌یابند، از مسکن مناسب و سایر وسایل رفاهی نیز برخوردار می‌گردند.

جلسات نمایش کار: قسمت اعظم فعالیتهای مزرعه‌ای ترویج، بر شرح عملی محصولات ویژه یا روشهای کشاورزی متمرکز است. اگر چه این جلسات تشریحی در مزارع کشاورزان انجام می‌شود، اما به علت اینکه کشاورزان در برنامه ریزی و تدارک نهاده‌ها و نیروی انسانی دخالتی ندارند، بندرت تکنولوژی اصلاح شده را مورد استفاده قرار می‌دهند. با این وجود، این جلسات به علت سادگی برنامه ریزی و تحت تأثیر قرار دادن کارمندان عالی‌رتبه و سیاستمداران مورد توجه قرار می‌گیرد. و کمتر از این نظر بررسی

● یکی دیگر از مشکلات ترویج در کشورهای عقب‌نگهداشته شده اینست که معمولاً ارتباط مؤثری بین ترویج و تحقیقات کشاورزی وجود نداشته و کارکنان ترویج و تحقیقات آزمایشهای مشترکی در مزرعه انجام نمیدهند. در نتیجه تحقیقات بدون ارتباط با ترویج، صرفاً حالت علمی و دانشگاهی پیدا کرده و با مسائل واقعی کشاورزان بی‌ارتباط خواهد بود و این امر خود موجب میشود که توصیه‌های سازمان ترویج نیز اغلب با نیازهای کشاورزان و توانایی‌های فنی آنها تناسبی نداشته باشد.

می‌شود که تا چه حد کشاورزان را به بکارگیری مهارت نمایش داده شده ترغیب می‌کند.

آموزش: فعالیتهای آموزشی بطور کلی بر آموزش قبل از شروع کار متمرکز است که این آموزش نیز نظری و کلاسی بوده و از مرجعین انتظار نمی‌رود که مدت زیادی آنها را در خاطرشان نگهدارند. زمانی که کار پرسنل در سازمان شروع شد، در جهت بالابردن دانش آنها، کوشش چندانی صورت نمی‌گیرد. همچنین برای افزایش سطح کیفی کار، پرسنل نیز از آموزش تقویتی نظام یافته یا مطالعات دانشگاهی استفاده نمی‌گردد.

نیروی انسانی غیر متخصص: از آنجائیکه ترویج فقط یکی از وظایف متعدد وزارت کشاورزی است، ممکن است لازم باشد کارکنان ترویج را به خارج از سازمان ترویج انتقال داد. همچنین ممکن است افرادی از سایر سازمانها بدون هیچگونه تجربه یا علاقه‌ای، به ترویج داخل شده و پستهای میانی یا بالایی را در اختیار گیرند. حتی پستهای تخصصی نظیر: متخصصان موضوعی نیز ممکن است توسط اشخاصی که شرایط، توانایی و علاقه لازم را ندارند، اشغال شود.

نبودن ارتباط با تحقیقات: معمولاً ارتباط مؤثری بین ترویج و تحقیقات کشاورزی وجود نداشته و کارکنان ترویج و تحقیقات آزمایشهای مشترکی در مزرعه انجام نمیدهند. در نتیجه



تحقیقات بدون ارتباط با ترویج، صرفاً حالت عملی و دانشگاهی پیدا کرده و با مسائل واقعی کشاورزان بی ارتباط خواهد بود و این امر خود موجب می شود که توصیه های سازمان ترویج اغلب با نیازهای کشاورزان و توانایی های فنی و مالی آنها تناسبی نداشته باشد. و محققان نیز به جای توجه به اوضاع اقتصادی مزرعه و منطقه، به توجه و تمرکز بر شرایط فنی مطلوب بپردازند.

وضعیت پرسنل ترویج: کلیه عوامل یاد شده، موجب می شود که سازمان ترویج در وضعیت بد، روحیه پایین و بازدهی ناچیز قرار گرفته و کشاورزان نسبت به عوامل ترویج بی توجه شوند. در نتیجه عوامل ترویج نیز علاقه و تعهدی را که در ابتدا داشتند بتدریج از دست داده و بعلت فقدان موفقیت، از اعتماد به نفس خالی می شوند و احتمال انجام هر گونه کار مفیدی را در آینده از دست می دهند. کیفیت پایین و بازدهی کم کار آنها نیز موجب می گردد که، دلیلی برای افزایش حقوق و کسب شرایط کاری بهتر و بهبود وضعیتشان وجود نداشته باشد.

دو برابر کردن خدمات: به علت کمبودهای ترویج، بسیاری از افراد برای افزایش تولیدات کشاورزی به فعالیتهای ویژه ای در خارج از سازمان ترویج، متوسل می شوند. یکی از کارها، توسعه طرحهای ویژه ای با تمرکز بر محصولات، مناطق یا تکنیکهای بخصوصی می باشد. این امر موجب دو برابر شدن کار جاری کارکنان دائمی ترویج، بروز سردرگمی و رنجش در سازمان می گردد. همچنین به دلیل محدودیتهای مالی فقط می تواند به تعداد کمی از کشاورزان، خدمات خود را ارائه دهد. لذا این طرحها، نه تنها باعث پراکندگی فعالیتها شده، بلکه از هیچ سو تقویت نشده و بر نیاز به انجام اصلاحات در سازمان ترویج، سر پوش می گذارد.

بطور کلی، سازمانهای ترویج غیر غم همه مشکلاتی که با آن مواجهند، در صورت تجدید حیاتی اساسی در فعالیتهای ترویجی خود، می توانند به روند توسعه کشاورزی سرعت زیادی بخشند. بدین منظور، روشی مورد نیاز است که به کمک آن بتوان کلیه محدودیتهای اصلی ترویج کشاورزی را همزمان از بین برد. اصولی که این اصلاحات باید بر اساس آن انجام شود ذیلاً خواهد آمد.

۳- اصلاح ترویج - اصول اساسی

یک سازمان ترویج برای شروع کار به توصیه هایی برای ارائه به کشاورزان نیاز دارد. بین آنچه که کشاورزان می توانند بالقوه از مزارع خود بدست آورند و چیزی که در واقع کسب می کنند، همواره فاصله وجود دارد. و وظیفه ترویج، ابتدا پر کردن این شکاف و سپس ایجاد روشها و فنون اضافی است. از یافته ها و نتایج تحقیقاتی، برای پر کردن این شکاف می توان استفاده نمود. در غیر این صورت، ترویج باید فعالیت خود را بر رفع تفاوت بین آنچه که تعداد کمی از کشاورزان خوب انجام می دهند و چیزی که سایر کشاورزان در منطقه پیاده می کنند، متمرکز نماید. و در مواردی که چنین تفاوتی نیز وجود ندارد، ترویج با انتقال مشکلات کشاورزان به تحقیقات باید به آن کمک کند تا کار را بر محدودیتهای کشاورزان متمرکز کند. دستگاه ترویج را می توان به روش های مختلفی سازماندهی کرد تا بتواند برای کشاورزان ثمر بخش باشد. بطور کلی نظام های ترویج کشاورزی برای انجام موفقیت آمیز کار خود باید دارای مختصاتی باشند که اصول اساسی بازسازی ترویج به نظام آموزش و ملاقات در اینجا مطرح می شود.

سازمان ترویج متمرکز: یکی از اساسی ترین اصول مدیریت که در ایجاد یک سازمان ترویج کارآمد و حرفه ای باید اعمال شود، ایجاد یک خط منحصر به فرد فرماندهی از بالا ترین نقطه سازمان مسئول کشاورزی به مروجین در سطح مزرعه می باشد. بدون وجود چنین سازمان مسؤلی که از نظر اداری، احاطه کامل بر سازمان داشته باشد، برنامه های ترویج دچار از هم گسیختگی شده و اجرای ترویج به روشی مؤثر و اصولی امکان پذیر نیست. مشکل ترین وظایفی که دست اندرکاران ترویج با آن مواجهند، واگذار کردن کنترل اداری عوامل ترویج در سطح مزرعه و سایر کارکنان ترویج به وزارت کشاورزی می باشد. حال آن که ترویج اغلب در حیطه مسئولیتهای وزارت کشاورزی قرار نمی گیرد. بعلاوه، عوامل ترویجی که در برابر بیش از یک سازمان مسئولیت دارند، در کار کشاورزی و امور مربوط به توسعه، بازدهی چندانی نخواهند داشت. لذا کلیه فعالیتهای ترویج کشاورزی باید در یک سازمان ترویج واحد متمرکز شود و کلیه پرسنل طرحهای توسعه

محصولات و مناطق ویژه باید با کارکنان دائمی سازمان ترویج یکی شوند. البته وجود سازمانهای مشاوره ای که در زمینه های فنی تخصص دارند در موقعیت های ویژه ای قابل توجه است.

فقط ترویج: پرسنل ترویج، باید تمام وقت خود را به ترویج حرفه ای کشاورزی اختصاص دهند و در ارتباط با کارهای تنظیمی، تدارک نهاده ها و گردآوری آمار و غیره، نباید مسئولیتی به ایشان واگذار شود. چرا که اینگونه مسئولیتهای قسمت اعظم وقت کارکنان را بخود اختصاص داده و توجه آنها را از مسئولیتهای اصلی خود منحرف می کند. بعلاوه پرسنل ترویج برای انجام این وظایف آموزش لازم را ندیده اند. و درست همانگونه که ترویج کشاورزی تنها مسئولیت کارکنان سازمان ترویج حرفه ای است، این امور نیز باید جزو مسئولیتهای کارکنان متخصص آن باشد.

آموزش و ملاقات برنامه ریزی شده: کار سازمان باید به شکل یک برنامه منظم و زمان بندی شده آموزش و ملاقات، سازماندهی گردد. برنامه های مسئولیتهای کاری و آموزش باید کاملاً مشخص شده و در کلیه سطوح تحت نظارت دقیق قرار گیرد. مروج روستا، یکی از «هشت گروه کشاورزان» را هر دو هفته یکبار و در روز مشخصی ملاقات می کند و خود مروج نیز هر دو هفته یکبار توسط متخصصان موضوعی تحت آموزش قرار می گیرد. که همان ناظر مستقیم مروج روستا یا بازرس ترویج کشاورزی است و فقط مسئول تعدادی معین و قابل اداره از مروجین روستا (حدود ۸ نفر) می باشد. وی برای حصول اطمینان از انجام صحیح کار توسط مروجین روستا، بطور منظم هر دو هفته یکبار آنها را در مزرعه ملاقات می کند، خود این بازرسان نیز تحت نظارت مسئولان ترویج بخش یعنی سر پرستهای بازرسان ترویج کشاورزی قرار داشته و مرتباً آموزشهای لازم را می بینند. بطور کلی، عوامل ترویج از طریق آموزش فشرده ای که در جلسات آموزشی دو هفته یکبار ارائه می شود، آگاهی کاملی از آنچه که باید در یک زمان مشخص به کشاورزان بیاموزند، کسب می کنند. بدین ترتیب می توانند کشاورزان را در مورد بکارگیری روشهای توصیه شده بیشتر تشویق نمایند.